



بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

حقایق در باره

یهود

ماهنامه معرفت

شماره ۷۴

نویسنده: الارقم زعبی

مترجم: عبدالحسین ابراهیمی

ویرایش و تنظیم:

بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

◆◆ www.zionism.blog.ir ◆◆



انگیزه بحث

ما همگی ادعای انسان دوستی و عدالت خواهی داریم؛ دیگران را به برادری و دوستی و صلح و آرامش در جهان فرا می خوانیم. همه ما در انتظار روزی هستیم که انسانیت از شر اختلافات و مصیبت های جنگ رها گردد. آیا این ها تماماً بدین دلیل است که ما تظاهر کنیم فرهیخته ون هستیم و ماهیت ارزش ها و اعتقاداتی را که پذیرفته ایم، درک می کنیم؟ آیا این فراخوانی به اصول و ارزش ها، به دلیل دست یافتن به یک موقعیت دینی یا سیاسی یا اقتصادی شما به عنوان خواننده هر دیدگاهی که داشته باشید... به هر نوع هویتی که علاقه مند باشید؛ سرمایه داری، سوسیالیستی،...، یهودی باشید یا بودایی، مسیحی یا مسلمان... بیاید این ادعاها را به یک حقیقت ملموس و این رؤیا را به واقعیت مبدل سازیم و دل هایمان را اناهان و کینه ها بشوییم، تا توانایی خود را در راه رسیدن به یک هدف واحد افزایش دهیم. باید هم نظر باشیم که همه ادیان از سرچشمه پاک و زلالی نشأت می گیرند؛ چون ادیان آسمانی، صنع خداوند کریم و تأثیر نیک او در روح انسان هستند. باید تأکید کنیم که اگر شری باشد، ناشی از انسان است، و باید این سخن خداوند را بازخوانیم که فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا» (مائده: ۴۴)

بیاید بپذیریم که یهودیت اساساً یک دین آسمانی است که به راه هدایت فرامی خواند، ولی در طول زمان های طولانی، دچار شوائب و انحرافات شده است. بیاید بپذیریم در شر یا خیر بودن انسان ها عوامل زیادی نقش دارند و قومی مانند یهود، که از ابتدای تاریخ با این عنن شناخته می شود، پیدایش آن با مکر و حيله و فریب همراه بوده و به طور قطع تحت تأثیر مجموعه ای از افکار و عقایدی قرار گرفته است که این قوم را در مهارت در استثمار و جنایت و تقلب، از دیگر امت ها متمایز می گرداند.

از این رو، باید عوامل تأثیرگذاری را بررسی کنیم که موجب شده اند یهود به دنیا به عنوان دشمن کینه توز بنگرد و در مقابل، دنیا نیز با دیده هراس و احتیاط به یهود نگاه کند. به دلیل آن که این دو دیدگاه متقابل، پایه ثابتی دارند، لازم است علل آن ها بررسی شود.

پرسشی که در این جا مطرح می شود، این است که چه عواملی موجب شده تا یهود در نظر ملت ها تا این اندازه پیچیده و مبهم باشد؟ پرسش مهم تر این که آیا عادلانه و منصفانه است همه یهودیانی را که یهودیت را به عنوان دین پذیرفته اند، پلید و جنایت کار بدانیم؟

در این کتاب، هر جا واژه «یهودی» به کار می رود، منظور یهودیت اصیل زلال و خالص نیست، بلکه منظور منحرفانی هستند که دین یهود را به مجموعه ای از قوانین و آیین هایی تبدیل کرده اند که در خدمت اهداف مشکوک سیاسی و دنیوی اند؛ منظور «تلمودیان» هستند که به تحرورات پرداخته و تفاسیری از تورات را در آن جعل نموده اند و متأسفانه تلمود شعار درصد زیادی از یهودیان جهان و عصاره تعالیم موسوی آنان است.

با بررسی پژوهش‌ها درباره مسأله یهودیت یا قضیه فلسطین به عنوان محور هدف مسأله یهودیت، درمی‌یابیم که برخی مسأله یهودیت را با کشمکش بین دو نظام سوسیالیستی و سرمایه‌داری مرتبط می‌دانند و در نتیجه، صهیونیسم را زاینده سرمایه‌داری دانسته، عامل دین را در دیده گرفته‌اند. بعضی دیگر آن را محصول تنفر یهود از ادیان دیگر و ادعای آنان مبنی بر برتری یهودیت بر مسیحیت و اسلام دانسته و در نتیجه معتقدند که این منازعه صرفاً جنبه دینی - روانی دارد و در این بین، به عامل اقتصادی و سیاسی توجهی نکرده‌اند. بسیاری دیگر برایدگیری بین صهیونیست‌ها و اعراب، عوامل دیگری تراشیده‌اند.

حقیقت این است که همه تحقیقات مذکور، خوب و ارزشمند بوده و جوانب بسیار مهمی از مسائل یهودیت را روشن ساخته‌اند، اما اشکال آن‌ها این است که ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن میراث دینی یهود، آن را با این عنوان که زاینده سرمایه‌داری است، بررسی کنیم.

همچنین نمی‌توان بدون توجه به عوامل سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن‌ها در بیش‌تر مسائل عصر حاضر، یهودیت را نتیجه آموزه‌های دینی و تعالیم تورات به شمار آورد.

برای این که در مسأله یهودیت به مطالعه‌ای تقریباً نهایی دست یافته باشیم، لازم است به همه تحقیقاتی که به کشف جنبه‌های مسأله یهودیت می‌پردازند توجه کنیم، هر چند سطح این تحقیقات یکسان نیستند.

چگونه نظریه‌پردازان یهود می‌توانند قومشان را با افکار خود - علی‌رغم سطحی و مبهم بودن ادله آن - قانع کنند؟

من از پیش اعلام می‌کنم که هدف آنان نمی‌تواند گمراه‌سازی باشد؛ چون این نیرنگ جز در ابلهان نمی‌گیرد و این افراد در یهودیت، اندک هستند. اما اگر خداوند توفیق داد، هدف و اندیشه‌ای را که سال‌ها مرا به خود مشغول ساخته است، محقق می‌سازم... و اگر موفق‌گان را به بحث و تحقیق فرا می‌خوانم، تا این جهان را از گروه متعصبی که با ثروت و عقاید خود، سیطره پیدا کرده‌اند، رهایی بخشیم و به جامعه‌ای انسانی دست یابیم که در آن یهودی، مسیحی و مسلمان در صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند و این هدف الهی از خلقت، تحقق یاکه: «یا ایُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» (حجرات: ۱۳)

از این‌رو، خداوند نیز در صدد تحقق این هدف است.

کلیاتی درباره یهودیت

۱. بررسی کتاب مقدس

منظور از «کتاب مقدس» عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) است. تعداد نویسندگان کتاب مقدس به چهل تن می‌رسد و تدوین آن ۱۶۰۰ سال طول کشیده است. کتاب مقدس دارای ۶۶ سفر است که در عهدین تقسیم شده است.

عهد عتیق ۱: عهد عتیق، در بین یهودیان به تورات معروف است. تورات واژه‌ای عبری به معنای قانون است. همچنین گفته می‌شود واژه «تورات» ۲ برگرفته از «تورات» یا دوره‌های تاریخی ملازم با زندگی بنی‌اسرائیل در گذشته است.

تورات دارای ۳۹ سفر است که به سه بخش تقسیم می‌شود

۱. قانون: این بخش، اسفار پنج‌گانه موسی علیه السلام را در بر می‌گیرد که عبارتند از: سفر پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، و تثبیه. این بخش در سال ۱۵۰۰ ق.م. نوشته شده است.

۲. انبیاء: شامل سفر یوشع بن نون، داوران، کتاب اول سموئیل، کتاب دوم سموئیل، کتاب اول پادشاهان، کتاب دوم پادشاهان و انبیاء (اشعیاء، ارمیاء، حزقیال و پیامبران دوازده‌گانه) می‌باشد.

۳. مکتوبات: عبارتند از: مزامیر، امثال، ایوب، غزل سلیمان، جامعه راعوث، مراثی، استر، و باقی اسفار.

شایان ذکر است که «ملاکی» جزو آخرین نویسندگان عهد عتیق است و آخرین سفر عهد عتیق را به خود اختصاص داده که «سفر ملاکی» نامیده می‌شود. این امر مربوط به حدود سال ۴۰۰ ق.م. می‌باشد، ولی برای اولین بار در سال ۱۴۹۴ م در میلان به چاپ رسیده است.

ترجمه‌های کتاب مقدس اساساً زبان اصلی تورات، عبری و زبان اصلی عهد جدید، یونانی بوده است. کتاب مقدس به تعداد زیادی از زبان‌های جدید و قدیم دنیا ترجمه شده است که ما با ذکر مهم‌ترین آن‌ها، به شرح تعدادی از این ترجمه‌ها می‌پردازیم: ترجمه سبعینیه (ترجمه هفتادی)، سریانی، مصری، قبطی، لاتینی، عربی قدیم و عربی جدید.

۱. ترجمه سبعینیه: عهد عتیق در سال ۲۸۰ ق.م. از عبری به یونانی ترجمه شد و از آن نظر که تعداد مترجمان آن هفتاد نفر بودند، ترجمه هفتادی نامیده شد.

۲. ترجمه سریانی: پس از گسترش معابد سریانی، عهد عتیق از عبری به سریانی و عهد جدید از یونانی به این زبان ترجمه شد.

۳. ترجمه حبشی: ترجمه کتاب مقدس از یونانی به حبشی توسط ۹ تن از قدیسانی که از سوریه آمده بودند، صورت گرفت.

۴. ترجمه عربی قدیم: این ترجمه پس از فتح اسپانیا توسط اعراب، حدود سال ۷۴۶ م صورت پذیرفت.

۵. ترجمه عربی جدید: پس از فراخوان علمای کلیسای شرق برای ضبط و بازنگری در ترجمه کتاب مقدس، کشیش عالی اسمیت در سال ۱۸۲۰ م این کار را آغاز و پس از مرگش، کرنیلوس وان دیک امریکایی اقدام به تکمیل ترجمه او کرد. این ترجمه در ۲۳ اوت ۱۸۶۴ م به پایان رسید و با همکاری شیخ ناصیف الیازجی و شیخ یوسف الاسبیرالازهری در تصحیح و تطبیق ترجمه با اصل، برای اولین بار در سال ۱۸۸۷ م به چاپ رسید.

۲. خاندان و تبارنامه یهود۳

یهودیان نسب خود را به جدّ بزرگشان، سام بن نوح می‌رسانند. به همین دلیل، به خود لقب «سامی» می‌دهند. آنان همچنین به «عبرانیان» معروف هستند، یا به دلیل انتسابشان به یکی از اجداد ابراهیم، عابر، یا به دلیل این که آنان از رود اردن یا از اور کلدانیان در عرابور نموده‌اند.

آنان همچنین ملقب به نام جدّشان، یعقوب، هستند که خداوند به او عنایت کرده، او را «اسرائیل» نامید و بر همین اساس، بر نوادگان وی «اسرائیلی» ۵ گفته می‌شود. نیز به دلیل انتسابشان به یهودا، یکی از اسباط دوازده‌گانه یهود، به «یهود» ۶ متّصف هست هرچند این نام بر پرشمارترین طایفه یعقوب اطلاق شده است.

زمانی که ابراهیم‌علیه السلام وارد فلسطین شد، همسرش ساره، اسحاق و همسر و کنیز مصری‌اش، هاجر، اسماعیل را به دنیا آورد که اصل و تبار عرب‌ها و ملت‌های دیگر به او برمی‌گردد. یعقوب، از فرزندان و یوسف از نوادگان اسحاق است که به اسماعیلیان فروخته شد و به فت و از او نسل با عظمتی پا به عرصه وجود گذاشت که حضرت موسی‌علیه السلام نیز از آن جمله است. وی به همراه قوم خود، فرزندان یوسف، به دلیل ترس از حمله فرعون، از مصر فرار کرد و به سوی فلسطین بازگشت. دیگر فرزندان یعقوب نیز عبارتند از: راوبین، شمعون، جاد، یهودا، یساکار، زبولون، یوسف، منسی، بنیامین، اشیر، دان و نفتالی، که طایفه بنی‌اسرائیل را تشکیل می‌دهند. یهودیان از زمان پیدایش یهودیت تاکنون، خود را به یکی از این اسباط منتسب می‌دانند.

۳. پراکندگی جغرافیایی اسباط یهود

زمانی که یهودیان به رهبری یوشع بن نون وارد فلسطین شدند، پس از سر شماری، سرزمین فلسطین و اطراف آن، بین آنان تقسیم شد. راوبین و جاد و نیم سبط منسی بخش واقع در شرق اردن را، که از جنوب بحر المیت تا شمال جبل الشیخ گسترش و امتداد یافته است، تصاحب کردند.

سبط یهودا نیز در بخش جنوبی، که طول آن از بحر السبع تا شهر قدس و عرض آن از دریای مدیترانه تا بحرالْمیت کشیده شده بود، ساکن شدند.

سبط شمعون بین فرزندان سبط یهودا پراکنده شد. در شمال سبط یهودا سبط بنیامین بود.

در شمال سبط بنیامین، سبط یوسف بود که اکنون به «جبل نابلس» در وسط فلسطین معروف است.

شمال سبط یوسف، نیم سبط منسی و یساکار در سرزمینی که اکنون به «مرج بن عامر» و سرزمین «باشان» معروف است، ساکن شدند. این مکان عبارت است از: سرزمین حوران، جولان و لجاه. در شمال یساکار، اشیر ساکن شد که تا امروز به «سرزمین بشارت» معروف است. در شرق سبط اشیر، سبط نفتالی مسکن گزید و امروزه سرزمین او به «صفد» و «مرجعیون» معروف است. هنگامی که سبط زبولون، بین اشیر و یساکار، یعنی در شهر ناصره امروزی مسکن گرفتند، سبط جاد، در یافا و اطراف آن و نیز در دشت حوله ساکن شدند.

۴. اعیاد یهود

یهود غالباً در اعیاد، گاو، گوسفند، بز، کبوتر و فاخته ذبح می‌کنند. این کار به عنوان کفّاره گناهان مردم صورت می‌گیرد. پیش از ذبح، خاخم لغزش‌ها و گناهان مردم را بازگو می‌کند، سپس قربانی، ذبح و سوزانده می‌شود تا خداوند بوی آن را استشمام کند و روح و خاطرند گردد و از گناهان قوم خود درگذرد [!].

اعیاد یهود عبارتند از:

۱. روز شنبه: چون خداوند در شش روز دنیا را آفرید و در روز هفتم به استراحت پرداخت، و به دلیل آن که یهود برگزیده خداست، بنابراین، استراحت آنان به دلیل استراحت خداوند است. عید روز شنبه، دارای مراسم و مناسک خاصی است که خداوند پای بندی به آن‌ها را خواستار شد نسبت به حفظ این روز تأکید نموده است. «... سبت‌های مرا نگاه دارید. ...» (خروج ۱۳:۳۱) ۸

۲. عید فصح یا روز خروج: این عید، اولین عید سالانه یهود است. در این روز، یهود روزگار بردگی خود در برابر مصریان و رنج و عذاب آن دوران را یادآوری می‌کند و برای فراموش نکردن آن دوره، خداوند به آنان امر کرد تا همانند روزهای خروج از مصر، نان فطیر بخورند. «... فت روز نان فطیر، چنان که تو را امر فرمودم، در وقت معینی در ماه ایب بخور؛ زیرا در ماه ایب از مصر بیرون آمدی.» (خروج ۳۴: ۱۸)

۳. عید هفته‌ها: این جشن، پنجاه روز بعد از دومین روز عید فصح برگزار می‌شود. یکی از آداب آن این است که باید این مراسم در سرزمین یهود ۹ برگزار شود؛ جایی که منظور یهود از آن، «فلسطین» امروزی است.

۴. روز کیپور: در این عید، به دلیل یاد بود نزول رحمت خداوند بر آنان، به مدت هفت روز در صحرا ساکن می‌شوند.

۵. روز کفاره: این عید، روز دهم اکتبر است و یهودیان برای کفاره گناهان خود، در این روز قربانی می‌کنند. یهود اعیاد دیگری نیز دارد؛ از جمله می‌توان «سبت زمین»، «سال یوبیل» و اول هر ماه را نام برد.

۶. فرقه‌های یهود ۱۰

فرقه‌گرایی یهودیت ناشی از ثبات و آرامش یهود، در قبل و بعد از میلاد و نیز سرگرم شدن آنان به خود و نزاع بر سر پست‌های دینی است. در نتیجه این امر، دو مکتب پدید آمدند: یکی در بابل که «مکتب شرقی» و دیگری در طبریه که «مکتب غربی» نام گرفت. پیدایش این دو مکتب، نقش زیادی در انقسام یهود به فرقه‌های مختلف با ویژگی‌ها و مشخصات و عقاید خاص داشت. این فرقه‌ها ۱۱ از لحاظ ظاهر، به چهار و از لحاظ محتوا، به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

الف. فرقه یهود از لحاظ ظاهر

۱. محافظه‌کاران یا بنیادگرایان: آنان پیروان شریعت و پایبند به کامل بودن آن و اصول مراسم آن هستند.

۲. ظاهرگرایان: گروهی که آیین و عبادات را بپا می‌دارند، بدون این که برای محتوا اهمیتی قایل شوند

۳. مماشات‌کنندگان: گروهی که با ظاهرگرایان و محافظه‌کاران مماشات می‌کنند.

۴. استقلال‌طلبان: گروهی که مراسم و آیین عبادی را بپا نمی‌دارند و به تعالیم شریعت توجهی نمی‌کنند.

ب. فرقه‌های پنج‌گانه مشهور یهود از لحاظ محتوا.

۱. فریسیان: یا عزلت‌طلبان، پارسایان، برگزیدگان یا خاصان که علی‌رغم آن‌که همه اعضایشان از عامه مردم هستند، خود را در پارسایی و برتری بر دیگر فرقه‌ها، بی‌همتا می‌دانند. آنان مدعی‌اند که شهرتی نیک دارند و علم دین مختص آنان است و همچنین ثواب و عقاب، و جسم انسان اثر گذاشته، تا زندگی پس از مرگ ادامه دارد. این فرقه با فرقه صدوقیان، که پس از بازگشت یهود از جلای بابل شکل گرفت، به مخالفت برخاست و در این بین، با جلیلیان پیمان بست. جلیلیان در عهد الکساندرا، همسر یونیا، در حدود سال ۷۸ ق.م. با تقویت و تثبیت خود، موقعیت خوبی به دست آورده، در نتیجه امور دین را در دست گرفته بودند.

فریسیان همچنین به تدوین اسفار شفاهی مبادرت ورزیدند و پس از ویرانی قدس، حدود سال ۷۰ م بر شهر «یمنی» تسلط یافته، آن‌جا را به مرکز مهمی برای مطالعات تلمودی تبدیل کردند. با وجود آن‌که این فرقه ادعای پارسایی، برتری و معرفت داشت، این امر مانع اعمال پسو بدخلقی آنان نمی‌شد. همین امر سبب شد که یحیای تعمیددهنده، آنان را «افعی‌زادگان» توصیف کند و با وجود آن‌که مسیح(ع) در جهت اصلاح آنان تلاش کرد، اما در آخر، آنان را به دروغ‌گویی و تظاهر به نیکی و ریا کاری توصیف نمود.

۲. سامریان: این نام منسوب است به «سامره»؛ شهری که احتمالاً «نابلس» امروزی است. این فرقه بر تورات سامری (فقط پنج سفر اول) اعتقاد دارد و دارای دید بازتری نسبت به محیط انسانی اطراف خود است. حضرت عیسی علیه السلام توانست نسبت به حال آنان مفید باشد و ایمان را ر دل‌هایشان وارد کند و همین امر فریسیان را به قطع رابطه با سامریان در عصر مسیح و عدم ارتباط با آنان وادار کرد.

۳. افراطیان (جلیلیان): فرقه‌ای یهودی که بیش‌تر اعضای آن از چهار سبط یهود به نام‌های یساکار، زبولون، نفتالی و اشیر هستند. آنان در بخش فوقانی و تحتانی جلیل، که یهودای جلیلی آنان را رهبری می‌کرد، مسکن گزیدند... و خصیصه افراطی‌گری و غلو در امور دینی بر چیره شد و زمانی که رومیان مالیات را بر آنان وضع کردند، با آنان به مخالفت برخاستند (اعمال رسولان ۵:۳۷) و با فرقه فریسیان هم‌پیمان گشتند و این امر خشم رومیان را برانگیخت. در نتیجه، به مجازات آنان پرداختند و توسط پیلاتوس قتل عام شدند. در این میان، برخی نیز معقدند: آنان توسط کرینباس رومی بین رفته‌اند.

۴. صدوقیان: صدوقیان منسوب به صادوق الیعازری - یعنی عادل، صمیمی، یا وفادار - هستند؛ فردی که در عهد سلیمان ریاست کاهنان را به دست گرفت. ... توجه این فرقه، به دین و اقتصاد بود و نسبت به اجرای قوانین بسیار سخت‌گیر بودند. این امر موجب برتری آنان بر فرقه فریسان شد؛ بنابراین، با آن‌که تعدادشان کم بود، پست‌های ریاست کهنه و اشرافیگری کشیشی را اشغال کردند.

نقش کاهنان و اهمیت آنان در عهد صدوقیان نمایان شد. کاهن، مفتی و رهبر و خزانه‌دار و رکن گروه بود. شمعون صدوق ۱۳ مشهورترین کاهن این فرقه بود، که انگیزه کتابت تلمود و اهتمام نسبت به اسفار شفاهی و تدوین آن به او بر می‌گردد. ۱۴

شایان ذکر است که صدوقیان و فریسیان، جبهه ضد مسیحیت را تشکیل می‌دادند. بنابراین، یوحنا نبی، صدوقیان را مانند فریسیان، همچون «افعی‌زادگان» توصیف می‌کند. (متی ۷: ۳)

عهد جدید، نقش صدوقیان را در آزار و اذیت عیسی علیه السلام و استهزای او و همبستگی آنان با مردان معبد در مخالفت با عیسی علیه السلام ذکر می‌کند... نکته باقی مانده این است که صدوقیان به دلیل دارا بودن جایگاه مالی و دینی، شخصیت‌های برتر و برجسته یهود را تشکیل می‌دادند.

۵. اسنیان: معالجه‌گران یا پزشک نمایان؛ فرقه‌ای که خود را مخاطب اصلی یهودیت می‌دانستند؛ حتی معتقد بودند آن‌ها اصل و شالوده امت یهودند و منشأ تفکر یهودیت از رجال این فرقه است. از این‌رو، به دلیل ترس از ادغام با غیر اسنیان و شدت علاقه به میراث امت یهودیت گزیدند. این فرقه معتقد است محتوا و حقیقت دیانت، سکوت، تأمل و اجتهاد است و خداوند به ذبیح اکتفا می‌کند.

به احتمال قوی، این فرقه به دو دسته تقسیم می‌شود: تأمل‌گرا و عمل‌گرا.

گروهی از سکوت و تأمل بیرون آمده، به سوی «عمل» گرایش پیدا کردند و گروهی دیگر ترجیح دادند به سکوت ادامه دهند و «تأمل‌گر» نامیده شدند.

خلاصه

یهودیت در اثر درگیری‌های سیاسی ناشی از آرامش و ثبات دوران قبل از میلاد، به فرقه‌گرایی روی آورد، اما این روح فرقه‌گرایی به زودی در عهد مسیح علیه السلام و گسترش دین مسیحی، به خاموشی گرایید. هم‌اکنون یهود فرقه‌گرایی را فراموش کرده و همگی در مقابل امت‌های دیگر متحد شده‌اند تا به اهداف خود تحقق بخشند و این امر، از وضعیت اضطراب و خطری ناشی می‌شود که یک فرد یهودی در سراسر دنیا در آن به سر می‌برد؛ زیرا تصور می‌کند همه ملت‌های دنیا در یهود در جبهه دیگر قرار دارد. عقیده یهودی امروز از محتوای فرقه‌های پنج‌گانه یهود شکل گرفته است

۷. خلاصه تاریخ یهود (از زمان پیدایش تاریخ معنوی یهود تا دوره حضرت عیسی علیه السلام):

اصل و تبار یهود، به سرزمین کلدانیان باز می‌گردد؛ سرزمینی که ابراهیم علیه السلام از آن‌جا به قصد رفتن به سرزمین کنعان، فلسطین کنونی، مهاجرت کرد؛ جایی که در آن حثیان، یبوسیان و کنعانیان، ساکنان اصلی فلسطین، سکونت دارند. ابراهیم در آن‌جا قطعه زمینی برای خرید و قربانگاهی را در آن بنا کرد.

در سال ۲۰۷۶ ق. م. و با آغاز قحطی در فلسطین، عبرانیان مجبور شدند به مصر مهاجرت کنند. در آن‌جا مصریان به مدت ۴۵۰ سال آنان را استثمار کردند و فرعون بر آنان مسلط شد. در سال ۱۵۰۰ ق. م. آن‌ها دوباره مجبور شدند به رهبری حضرت موسی علیه السلام، از مصر به سوی فلسطین فرار کنند. آن‌ها در مسیرشان تا فلسطین، به تعالیم موسی علیه السلام بی‌اعتنایی کرده، از عبادت خدا سر باز زدند و گوساله طلایی را پرستیدند.

حضرت موسی علیه السلام، قبل از این که به فلسطین قدم بگذارد، از دنیا رفت و خدمتگزار او، یوشع بن نون، جایش را گرفت. او به زور و قدرت شمشیر، فلسطین را اشغال و پس از سرشماری، آن را بین اسباط دوازده‌گانه یهود تقسیم کرد.

در فلسطین، پادشاهان زیادی یکی پس از دیگری بر یهود حکومت کردند... تا این که داود بن منسی، با تسلط بر قدس، آن را از یبوسیان گرفت و بر آنان حاکم شد. قدس، «یبوس» نامیده می‌شد و پایتخت یبوسیان به شمار می‌رفت؛ جایی که ساکنان اصلی

فلسطین در آن جا بودند.ود آن جا را پایتخت خود قرار داد تا این که در سال ۹۰۰ ق.م. از دنیا رفت. پس از او، در فلسطین دوره پراکندگی و تفرق بر مملکت یهود گذشت، تا این که سلیمان بر آن مملکت حاکم شد و در عهد او، مملکت قوت گرفت. سلیمان معبدی در قدس بنا کرد و آن را به نام خود، «معبد سلیمان» نامید.

در این دوره، سلیمان فرمان قتل «یربعام» - خزانه دار حکومت خود که می خواست از حکومت کناره گیرد - را صادر نمود، ولی او به سوی مصر فرار کرد و با پادشاه آن شهر شیشق یا شیشاق هم پیمان ش پس از درگذشت سلیمان، مملکت او به دو بخش تقسیم شد: یک بخش شامل ده سبط و بخش دیگر شامل دو سبط بود. شیشق از این اختلاف سوء استفاده کرده، سپاه خود را به سوی فلسطین روانه نمود.

یهودیان دو مرتبه در معرض اسارت قرار گرفتند. بار اول به دست آشوریان که کشور را اشغال و ساکنان آن جا را به جای دیگر منتقل کرده و برای تضعیفشان، آنان را مجبور به دادن مالیات کردند. دوران اول اسارت، در حدود سال ۷۲۲ ق.م. با انتقال یهود به شهر «مادی» (شهری دیمی یا نامی که به مجموعه شهرهای ایران و بین النهرین اطلاق می شد) پایان یافت. یهود از ضعف آشوریان و سرگرم شدن آنان به نفع خود استفاده کرده، مجدداً به فلسطین بازگشتند.

آنان همچنین برای بار دوم به دست نبوکد نصر به اسارت گرفته شدند که این امر حدود ۲۵ سال طول کشید و اسارت یهود در شهر بابل - که نبوکد نصر آنان را به آن جا انتقال داده بود - به مدت ۷۰ سال ادامه یافت.

در این دوره، کورش، مؤسس دولت فارس، بین سال های ۵۵۰ تا ۵۲۸ ق.م. بابل را اشغال کرد و یهود ر به فلسطین باز گرداند. او آنان را در تجدید معبد و بازگرداندن ابزار و آلاتی که نبوکد نصر از آن جا گرفته بود، کمک کرد و یهود را زیر چتر حکومت خود قرار دارد. یهودیان حدود سال ۱۷۴ ق.م. دولتی در فلسطین تشکیل دادند و حاکمیت آن را خود بر عهده گرفتند که به مدت ۱۴۰ سال طول کشید. عذرا نحمی ۱۵ جزو آخرین پادشاهان بنی اسرائیل به شمار می رود که تجدید معبد کرد. در اثر جنگ های داخلی و چند فرقه شدن اسباط یهود، رومیاداخله کرده، قدس را تحت حمایت خود درآوردند و امپراتور روم تیتوس دستور انهدام معبد و محو آثار آن را صادر نمود. این امر در سال ۷۰ م بود و کسی تا امروز، نتوانسته است آن را بنا کند.

۷. نقش زنان یهودی در ایجاد دولت اسرائیل

وقتی به اسفار، که به نام «عهد عتیق» مشهور است، دوباره رجوع می کنیم، می بینیم که زنان نقش و تلاش زیادی در جهت ایجاد دولت اسرائیل داشته اند. در حقیقت، عهد عتیق زمینه های وسیعی را به این نقش اختصاص داده است که در صدر آن سفر «استر» و سپس «یهودیت» قرار دارند.

تفسیرهای تلمودی این اسفار را تقویت کرده و آن را به عنوان معیار سنجش و الهام بخش نقش زن یهودی قرارداده و به صورت الگویی درآورده است که در طول قرن ها از آن پی روی می شود.

بر اساس نص تورات، زنان یهود باید به هر قیمت و با ایثار جانی و اخلاقی، نقش خود را ایفا نمایند؛ زیرا آنان دست کم می توانند افکار مسؤلان سایر امت ها را به بازی بگیرند. البته منظور اکتفا کردن صرف به غارت اموال و اتلاف وقت در جهت خلاف منافع آن قوم غیری نیست، بلکه مهم تر از آن، کنترل افکار مسؤلان و مدیران جوامع و هدایت آن ها در جهت خدمت به تفکر یهودی است.

برای نمونه، استر به طور مقطعی تلاش می کند و از آبروی خود نیز صرف نظر می نماید تا هم‌زادان خود را یاری دهد. وقتی پادشاه فارس اخشورش، به ضرورت قتل یهودیان کشور اعتقاد پیدا کرده بود (چون آنان قومی سرسخت و کینه توزند و هر کجا باشند، به آیین خود پایبند همسایگان خود را استثمار می کنند) مردخای یهودی با مداخله و سوء استفاده از اختلاف پادشاه با همسرش، استر را به عنوان همسر جایگزین به او معرفی کرد که استر نیز به نوبه خود، قوم خود را، که پادشاه فارس تصمیم به مجازات بسیاری از آنان گرفته بود، نجات داد.

یهود روز ازدواج استر و رهایی خود از مجازات را عید رسمی به حساب آورده و این روز، روز «مردخای» نام گرفته است. در این روز، یهودیان سفر استر را برای جاودانه ساختن یاد او می خوانند. این عید روز ۱۴ و ۱۵ مارس است.

به علاوه، ازدواج استر با اخشورش تنها نقشه‌ای برای آینده بود؛ زیرا استر از فرزند خود، شاه فارس، خواست یهود را از پراکندگی نجات دهد و در بازگشت آن‌ها به فلسطین کمک کند. وی نیز هر زمان که یهودیان در معرض خطر قرار می گرفتند، سپاه خود را برای دفاع از آناسیل می داشت. به همین دلیل، برخی از یهودیان به تقدیس استر پرداخته و گفته‌اند: «استر از زنده و مرده یهود حمایت کرد.»

برای مثال، زمانی که یهودیت ۱۶ احساس کرد نیوکد نصر به فرمانده لشکرش، هولوفرانسیس دستور قتل عام یهود را داده است، خود را با زیور آلات می آراید و این فرمانده را آن قدر وسوسه می کند تا او را به خدمت خود در می آورد و سپس در میان گروهی از بیگانگان، که ام زنان یهودی افتاده بودند، در شب بزمی او را مست می نماید و هنگامی که مست و گیج می شود، او را به قتل می رساند. به علاوه نقش زن یهودی، هنوز با گذشت قرن‌ها محسوس و روشن است و خدمت آنان به آینده یهود، نه فقط مردان، بلکه زنان غیر یهود را نیز در بر می گیرد؛ برای مثال، در سفر خروج، آنان هر کدام به زنان مصری همراه خود چنین وانمود می کردند که مایلند زیور آلات و لباس را برای شرکت در جشن به امانت بگیرند و سپس به همراه آن زیور آلات، به خارج از مصر فرار می کردند و بدین صورت، زنان مصری را فریب می دادند.

دینه، دختر لیئا، همسر یعقوب نیز فرزند امیر اریحا را مفتون خود کرد تا از او خواستگاری نماید و در مقابل، خانواده یعقوب، ازدواج را مشروط به این امر کردند که همه مردم شهر ختنه شوند و هنگامی که این شرط اجرا شد، بر آن شهر حمله برده، اهالی آن را به قتل رساندند. ۱۷

خاخام‌ها و نویسندگان زن یهود، از اهمیت نقش زن مبنی بر این که آنان، مادر بچه‌هایشان و نزدیک‌ترین فرد ممکن به مردان آینده هستند، آگاهند. آنان افکار نظریه پردازان یهود را به بچه‌ها می خوراندند و بر اساس همین افکار، آنان را تربیت کرده و اگر منکر اینها شوند، شیر خود را بر آنان حرام می کنند. از این رو، به گفته آنان، طبق سخن خداوند، که قوم خود را مخاطب قرار داده و آنان را از ازدواج با کنعانیان منع نموده است، مردان یهود را از ازدواج با زنان غیر یهود منع می کنند:

- « با آنان عهد میند و بر آنان ترحم منما. با آنان مصاهرت مکن. دختر خود را به پسرشان مده و دختر ایشان را برای پسر خود مگیر! » (تثنیه ۱:۲۸)

- « اسحاق، یعقوب را خوانده، او را برکت داده و او را امر فرموده، گفت: زنی را از دختران کنعان مگیر. » (تکوین ۱:۲۸)

اما تلمودیان قطعاً به عدم امکان ازدواج مرد یهودی با زن غیر یهود، فتوا داده‌اند. هرچه دختران یهود ثروتمندتر باشند، در نظر جوانان یهود زیباتر به نظر می‌آیند و مهم نیست که این ثروت را از کجا به دست آورده‌اند؛ چون این امر پیش از ازدواج صورت گرفته است. در مورد منع ازدواج زن یهودی با غیریهودی تساهل کرده، اجازه ازدواج دادند، مشروط به این که زن در خدمت یهودیت باشد؛ یعنی با جاسوسی، خرج کردن دارایی خود به نفع یهود، القای تفکر ضرورت یاری یهود به همسران خود که در غیر قوم یهود دارای مسؤلیتی هستند. گمان می‌کنک نیازی به ذکر مثال در این زمینه نیست؛ چون این امر برای هر علاقه‌مندی روشن است.

۸. تفکر نژادپرستی در تورات و تلمود ۱۸

خطرناک‌ترین اختلافات سیاسی و مصایب مربوط به آن که بشریت با آن دست به گریبان است، ریشه در نژادپرستی دارد. نژادپرستی از دیدگاه تلمودیان، کاملاً با مفهوم مشهور «نژادپرستی» تفاوت دارد؛ زیرا این نوع نژادپرستی [همانند سایر تفکرات نژادپرستی] داعیه‌های نژادی مانند برتری نژادی، که تب آن فروکش کرده است، ندارد.

از دیدگاه آنان، نژادپرستی نه نظریه یک فرد نژادپرست است که با از بین رفتن او، از بین برود؛ و نه برنامه یک حزب سیاسی که طبق آنچه اوضاع حزب، یا حوادث پیرامون آن، ایجاب می‌کند، قابل اصلاح و تغییر باشد.

تفکر نژادپرستی تلمودی، اندیشه‌ای محکم و ریشه‌دار است که قدمتی به قدمت یهود دارد؛ چون این تفکر با شروع فعالیت نویسندگان و تحریف‌های نویسندگان عهد عتیق، پدیدار شد؛ نویسندگانی که هیچ بایی از ابواب عهد عتیق را از رنگ نژادپرستی خالی نگذاشتند و زمانی که تد را جعل کردند، تأکید بر معانی نهفته نژادپرستی خود را استمرار بخشیده و اسفار سری را تدوین و بدین سان، آن‌ها را با شروح تلمود ختم کردند. آنان بدین وسیله، از ساحت عشق و رسالت آسمانی، که یهودیت آن را پذیرفته بود، گذشته و به عرصه لایهودی‌گری درآمدند و دیگر هرگز بازنگشتند و به دلیل کثرت یهودیان نژادپرستی که معتقد به برتری تعالیم و شریعت بودند، نژادپرستی، در نظر آنان به صورت یک اصل اخلاقی درآمد.

تورات، آکنده از افکار مسمومی است که نظریه‌پردازان یهود آن را همچون شمشیر زهرآلودی در سینه پیروانشان فرو برده‌اند و دیگر امکان نجات از آن برایشان وجود ندارد.

وقتی مراحل تحوّل گرایش نژادپرستی یهود را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم این گرایش از مرحله نژادپرستی فردی (تبعیض بین افراد)، به مرحله نژادپرستی قبیله‌ای و سپس به بالاترین مراحل تبعیض نژادی؛ یعنی گروه‌بندی ملت‌ها و حیواناتشان در یک طبقه و قرار دادن یهود ده دیگر، تکامل یافته است. اسرار تبعیض نژادی توراتی را باید از آغاز خلقت پی‌گیری کرد؛ زیرا آن‌ها با ذکر سلسله نسب خود، اجدادشان را از هر نوع زشتی منزّه می‌دانند و هرگونه پستی را به غیر اجداد خود نسبت می‌دهند، تا به جدّشان ابراهیم‌علیه السلام برسند و خودرزندان ابراهیم و از همسر قانونی او، ساره، به شمار آورند، در حالی که ملت‌های دیگر، بخصوص اعراب از دیدگاه آنان، از فرزندان اسماعیل، پسر کنیز مصری هاجر، هستند و همچنین تمام مردم دیگر زنازاده و کنیززاده‌اند؛ ولی یهود، فرزندان اصیل، یعنی فرزندان ساره‌اند. آنان پس از این نژادپرستی فردی و قبیله‌ای به نژادپرستی قومی و ملی روی می‌آورند. از دید آنان، خداوند وعده‌های خود را تنها بر آنان ارزانی می‌دارد و آنان را از بین همه امت‌ها برمی‌گزیند: «خداوند امروز به تو اقرار کرده است که تو، قوم خاص او هستی؛ چپه تو وعده داده است... و تا تو را از جمیع امت‌هایی که ساخته است، بلند گرداند.» (تثنیه ۲۶:۱۸)

آنان مکرر از قول پروردگار بیان می‌کنند:

- «این قوم را برای خود ایجاد کردم.» (اشعیا ۴۳: ۲۱)

- «زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم هستی. یهوه خدایت تو را بر گزیده است تا از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمینند، قوم مخصوص برای او باشی.» (تثنیه ۶: ۷)

آنان از میان ملت‌ها بیش‌تر روی اعراب تکیه می‌کنند؛ زیرا آنان نیز چون دیگر ملت‌ها در این ویژگی، که زنازاده‌اند، مشترکند و به علاوه ددمنش و عقب مانده‌اند و در بیابان‌ها ساکن می‌باشند. چنان‌که خداوند خوی و سرشت نیای آنان اسماعیل را چنین توصیف می‌مردی وحشی خواهد بود، دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او خواهد بود.» (تکوین ۱۶: ۱۲)

تلمودیان نیز تبعیض نژادی تورات را تأیید نموده، آن را شرح داده و به تفصیل به آن پرداخته‌اند؛ حتی شرح‌هایشان افراطی‌تر از خود اصل است. آنان از قول خداوند، که خاخام‌ها را به آنان عطا نموده است، در مورد ویژگی ملت یهود چنین می‌گویند: «شما گله من هستید. راین، شما بشر خوانده می‌شوید؛ ولی گوییم ۱۹ این‌گونه نیستند.»

این نویسندگان تبعیض اجتماعی را به مراتب جلوتر از نظریه‌پردازان آن ابداع کرده‌اند؛ زیرا خود را رئیس و مالک زمین می‌دانند و دیگر ملل، تنها غلام آن‌ها و زنان و فرزندان ایشان، خدمتگزار آنان:

- «اما غلامان و کنیزان که برای تو خواهند بود، از امت‌هایی که در اطراف تو می‌باشند، از ایشان غلامان و کنیزان بخرید و هم از پسران مهمانانی که نزد شما مأوا گزینند و از قبایل ایشان که نزد شما باشند که ایشان را در زمین شما به دنیا آورده‌اند، بخرید. و وک شما خواهند بود و ایشان را بعد از خود برای پسران خود وا مگذارید، تا ملک موروثی باشد. ایشان را تا ابد مملوک سازید...» (لاویان ۴۴: ۲۵ - ۴۵ - ۴۶)

- «غریبان بر پا شده غله‌های شما را خواهند چرانید و بیگانگان، فلاّحان و باغبانان شما خواهند بود.» (اشعیا ۶۱: ۵)

ولی تلمود به درجه‌ای بدتر از این رسیده است؛ چون می‌گوید: «جانورانی که به صورت انسان هستند، باید خدمت کنند.» منظور از «جانوران» ملت‌های غیر یهود و منظور از «خدمت»، خدمت به یهود است. بدین سان، نظریه‌پردازان یهود، آفت قلدری و سلطه‌طلبی و تکبر بر بشر را در دل توده مردم می‌کردند و این آفت نسل به نسل منتقل می‌شود. این آفت بسان شیر مادران و نطفه یهود در رحم زنان یهودی است.

انگیزه استثمار ملت‌ها توسط یهود، شامل مردم عادی و نیز پادشاهان و حاکمان غیر یهودی می‌شود؛ زیرا حاکمان ملت‌های غیر یهود نیز باید تحت سیطره یهود باشند، بلکه آنان باج بگیر یهودند که لباس پادشاهی به تن کرده‌اند: «غریبان حصارهای تو را بنا خواهند نمود و اهان تو را خدمت خواهند کرد. دروازه‌های تو دائماً باز خواهد بود. ... تا دولت امت‌ها را نزد تو بیاورند و پادشاهان ایشان همراه آورده شوند.» (اشعیا ۶۰: ۱۰) نژادپرستی توراتی از حد معمول فراتر می‌رود. در واقع، این نوع نژادپرستی از مفاهیمی نشأت می‌گیرد که به نظر می‌رسد خیالی‌اند و شنونده تصور می‌کند که بدعت هستند، ولی جزو مقیدات و اعتقادات ثابت دینی قوم یهود می‌باشد.

نوع دیگری از تبعیض نژادی وجود دارد که خاص یهود بوده و هیچ نظریه‌پردازی آن را ابداع نکرده است و هیچ حزب و قومی از آن را پی‌روی نمی‌کند؛ این نوع عبارت است از: تبعیض روحی، روانی و دینی. یهود برگزیده خداست و خوی و سرشت برگزیده نیز این است که ممتاز و نسله اقوام دیگر بالاتر باشد و ملت‌های دیگر صرفاً برای این آفریده شده‌اند که آب و هیزم برای معبد‌های آنان تهیه کنند؛ معابدی که در آن‌جا به عقیده‌ای بی‌بدیل مبنی بر این‌که آن‌ها خدا را به خود و خداوند آنان را به خود اختصاص داده است، می‌پردازد. در نتیجه، می‌بینیم که در جاهای بسیاری از عهد عتیق، اشاره شده است که خداوند، فقط با بنی اسرائیل عهد بسته است و این امر بدین دلیل است که خداوند مملکت یهود را مملکت خود، و ملتشان را فرزندان خود شمرده است: «شما را خواهم گرفت که برای من قوم شوید و شما را خواهم بود.» (خروج ۷:۶)

و در جایی دیگر، به تأکید این امر از زبان خداوند می‌پردازند: «این قوم را برای خود ایجاد کردم.» (اشعیا ۴۳:۲۱)

فراتر از آن، خداوند به دلیل کثرت محبتش نسبت به یهود، رحمت خود را بر آنان و برکتش را بر ذریه آنان فرود آورده و آن‌ها را بیش از این برتری داده است. بنابراین، از قول پروردگار، که مملکت خود یعنی مملکت یهود را وصف می‌کند، چنین بیان می‌کند: «و شما برای مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود.» (خروج ۱۹:۶)

از سوی دیگر، تلقی آنان از امت‌های دیگر این است که آن‌ها خدای حقی را پرستش نمی‌کنند؛ چون خداوند تنها خاص یهود است و با آنان عهد و پیمان بسته و به آنان برتری عطا کرده است و دیگر ملل تنها نوکران یهود هستند و دل‌سوزی و مهربانی نسبت به آنان حرام است. و خلاصه، ملت‌های دیگر، استخوانی در گلوی بنی اسرائیل هستند که اگر باقی بمانند، شهرها و اموال و کودکان و زنانشان بر آن‌ها حرام است: «... و اما شهرهای این امت‌هایی که یهوه، خدایت تو را به مملکت می‌دهد، هیچ ذی نفس را زنده نگذار. ...» (تثنیه ۲۰:۱۶)

آنان همچنین ورود هر شخص جدیدی را در یهودیت حرام کرده و از این اصل پی‌روی می‌کنند که: «داخل شد هر آن‌که داخل شد و بس.» بدین دلیل، دین یهود را از جهانی بودنش محروم کردند.

با توجه به تنگ نظری یهود، کسی جز آنان تعالیم یهودیت را نمی‌فهمد. در نتیجه، می‌بینیم که نویسندگان یهود این سخن را به خداوند نسبت می‌دهند که او بر عدم پذیرش یهودی جدید از دیگر ملل تأکید می‌کند: «... احدی از آنان هرگز داخل جماعت خداوند نشود.» (تثنیه: ۲۳/۳)

نویسندگان یهود به توصیف غیر یهود و وظایف آنان در برابر یهود، ادامه داده، یهود را به لزوم اجرای آن وادار می‌کنند. از دیدگاه آنان، زمین به منزله کارگاهی است که مالکیت آن را سرمایه‌داری یهود به عهده دارد و خاندان یهودی خود را اداره می‌کند و بشریت کارگر هستند که حقی جز خضوع و تذلل در برابر یهود ندارند. از این‌رو، در مورد وظایف دیگر امت‌ها چنین می‌گویند: «نزد تو رو به زمین افتاده و خاک پای تو را خواهند لیسید.» (اشعیا ۴۹:۲۳)

همچنین عهد عتیق آنان را به استفاده از خشونت تنها در برابر غریبان فرا می‌خواند: «... اما برادران شما از بنی اسرائیل، هیچ کس بر برادر خود به سختی حکمرانی نکند.» (لاویان ۲۵:۴۶)

- «از همه قوم‌ها مبارک‌تر خواهید شد و در میان شما و بهایم شما نر یا ماده، نازاد نخواهد بود.» (تثنیه ۷:۱۴)

- «و شما را خواهد مکید و در آغوش او برداشته شده، بر زانوهایش به ناز پرورده خواهید شد.» (اشعیا ۲۳: ۶۶)

در پایان، باید گفت شیوه‌های نژادپرستی یهود گوناگون است و آنچه ذکر کردیم، تنها قطره‌ای از دریا بود و با این وجود، خاستگاه تفکرات سیاسی نژادپرستی یهود در عصر حاضر ظهور یافته اس این چند سطر معدود برای تحقیق دقیق، مستمر، مستدل و تحلیلی درباره تفکر نژادپرستی یهود کافی نیست. از این‌رو، خواننده خود باید در سخنان آن‌ها تأمل ورزد و از نژادپرستی یهود نیز پوزش می‌طلبم؛ چرا که هنوز نتوانسته‌ام حق مطلب را ادا کنم.

پی نوشت ها

*. حقایق عن الیهودیه، چ اول، الارقم الزعبی، الدارالمتحدده، دمشق، ۱۹۹۱.

** با تشکر از آقای حافظ نصیری که این مقاله را مورد بازنگری و مقابله فنی قرار داده و نیز با تشکر از مشاوره علمی استاد حسین توفیقی و نیز واحد ترجمه مؤسسه امام خمینی (ره).

۱- مرشد الطالبین فی معرفه الكتاب المقدس الثمین، انتشارات انجمن کتاب مقدس بیروت. برای آگاهی از ترجمه واژگان این کتاب، ر.ک: قاموس کتاب مقدس.

۲- بعضی از یهودیان، کلمه «تورات» را - اگرچه به معنای اسفار پنج‌گانه اول است - بر همه اسفار عهد عتیق اطلاق می‌کنند. محققان متآله در توزیع و تقسیم عهد عتیق اختلاف نظر دارند. برخی تعداد اسفار قانونی را ۲۲ عدد به تعداد حروف الفبای عبرانی می‌دانند و معتقدکنیسه‌های رومی باقی اسفار را اضافه کرده‌اند.

۳- چنان که در تورات آمده است.

۴- «عبرانی» نامی است که از زمان حضرت ابراهیم تاکنون بر یهود اطلاق می‌شود.

۵- «اسرائیلی» نامی است که از زمان حضرت یعقوب تا امروز بر یهود اطلاق می‌شود.

۶- «یهودی» شایع‌ترین نامی است که از زمان جلای بابل تاکنون بر آنان اطلاق می‌شود.

۷- این پراکندگی از دیدگاه یهودیت است. ر.ک: اطلس کتاب مقدس، نقشه ۴.

۸- کتاب مقدس، چ دوم، دارالسلطنه لندن، ۱۹۸۷. تمام ترجمه‌های نقل شده از این کتاب هستند.

۹- ر.ک: قاموس کتاب مقدس و اطلس کتاب مقدس، دار النشر المعدانیه، ص ۶

۱۰- ر.ک: فکر الدینی الاسرائیلی؛ اطواره و مذاهبه، تألیف دکتر حسن ظاظا و ر.ک: مرشد الطالبین فی معرفه الكتاب المقدس الثمین.

۱۱- روشن است که یهود بیش از هشت فرقه دارد که ما در این جا مهم‌ترین آن‌ها را انتخاب کرده‌ایم.

۱۲- یمینیا همان «یینه» یا «یاونه» امروزی است که شهرکی است در فاصله ۱۲ میلی جنوب یافا. (م)

۱۳- ر.ک: قاموس کتاب مقدس. توجه داشته باشید که از نظر این کتاب، الیغاز در مورد اندیشه نوشتن تلمود از شمعون صدوق پیشی گرفته است. (ر.ک: همان، حرف «ع».)

۱۴- لازم به ذکر است که تلمود، مرهون زحمات عقیبان یوسف است و افتخار تدوین آن به یهودا هئاسی باز می‌گردد. (م)

۱۵- برای آگاهی بش‌تر، ر.ک: قاموس کتاب مقدس، ما با مراجعه به قاموس، چنین نامی را نیافتیم که به عنوان آخرین پادشاه بنی اسرائیل باشد. (م)

۱۶- «یهودیت» (به معنای ستایش شده) نام بیهو زن یهودی است که یهود با افتخار از او یاد می‌کند؛ چون زمانی که نبوکد نصر به فرمانده سپاهش هولوفرانسیس یا الیفانا - چنان که در سفر یهودیت آمده است - دستور قتل یهود را صادر کرد، یهود خود را آماده این حمله کرده، دشهرهایشان دست به تحصن زدند. بنابراین، الیفانا خشمگین شد و با محاصره شهرهای یهود، آب را به روی آنان بست. مردم شهر نزدیک بود خود را تسلیم کنند. وقتی یهودیت متوجه این امر شد، خود را با بهترین زینت‌ها بیاراست شرابش را برداشت و به سوی الیفانا رفت، که با دیدن ن زن، شیفته‌اش شد و پس از این که الیفانا شراب را نوشید و مست شد، آن زن سرش را از بدن جدا نمود و او را بر در دروازه شهر آویزان کرد. در آن هنگام، مردم درباره او می‌گفتند: «تو سرور اورشلیم و موجب شادی اسرائیل و افتخار ملت ما هستی ...» (یهودیت ۱۴:۱۵) ولی بیت خود را خطاب قرار داده، چنین می‌گفت: «تا ملت‌ها بدانند که تو خدا هستی و کسی جز تو خدایی نیست.» (یهودیت ۱۰:۹۱) نکته باقی‌مانده این است که سفر یهودیت از اسفار سری به شمار می‌رود که یهود به دلیل احترام به صاحب این سفر، با از حفظ خواندن، آن را مورد عناید قرار داده است. پدر الیاس تابت العشقولی در جلد دوم از کتاب اول، جزء اول می‌نویسد: «نمی‌دانیم آیا این سفر خیالی است یا واقعی»، ولی در نظر یهود، مهم و محترم است.

۱۷- واقعیت این است که در سفر پیدایش ۳۰:۳۵ داستان به شکل دیگری آمده است. (م)

۱۸- چنان که انسان بر حیوان برتری دارد، همچنین یهودی از دیگر انسان‌ها برتر است. (تلمود)

معرفی بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

این پایگاه فعالیت خود را در آخرین جمعه رمضان ۱۴۳۷ مصادف با روز جهانی قدس مورخ ۱۱/تیر/۱۳۹۵ آغاز نمود.
این وب سایت ، یک پایگاه علمی- پژوهشی در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد.

بخش های مختلف بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم عبارتند از :

(۱) **شناخت جامع یهود ، صهیونیسم و اسرائیل :** اولین پست است و شامل عناوینی است که به ترتیب از تولد دین یهود تا تاریخچه صهیونیسم و ایجاد حکومت اسرائیل مرتب شده اند ، ذیل هر عنوان ، مطالبی جامع مشاهده خواهید کرد و این امر با کلیک بر روی عنوان مورد نظر میسر است . برای سهولت دسترسی به مطالب ذیل عناوین ، در فرصت های دیگر، لینک فایل PDF مطالب جلوی هر عنوان قرار داده شده است .

(۲) **بانک مقالات :** بانک مقالات این پایگاه از غنی ترین بانک های مجازی مقالات باموضوع تخصصی صهیونیسم می باشد. مقالات در بخش های ۱۲ تایی ارسال، طبقه بندی و آرشیو می شوند. هر ماه یک بخش جدید یعنی ۱۲ مقاله به بانک اضافه می شود .

(۳) **کتابخانه :** کتابخانه شامل کتاب های با فرمت PDF در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد . کتاب ها در بخش های ۶ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند .